نسخ خطی: مجموعه منشئات آقا حسین خوانساری

صدرهاشمی، محمد

آقا حسین خونساری (1016-1098 قمری)از علمای مبرّز و بنام زمان شاه‏ عباس ثانی و شاه سلیمان صفوی بوده و قبر او و فرزندش آقا جمال خونساری اکنون‏ در تکیه‏ای بنام تکیهء آقا حسین خونساری در تخت فولاد اصفهان موجود است.

کسانیکه شرح‏حال آقا حسین و مؤلفات ویرا از قبیل صاحب روضات الجنات‏ فی احوال العلماء و السادات نوشته‏اند با اینکه بتفصیل از کتب مؤلفهء وی نام برده ولی‏ هیچکدام اسمی از منشئات آقا حسین بمیان نیاورده‏اند.فقط صاحب روضات در بین‏ کتب وی بزبان فارسی(ترجمهء قرآن)و(ترجمهء صحیفه)و این شعر فارسی را:

ای باد صبا بطرب فزا می‏آئی‏ از طرف کدامین کف پا می‏آئی‏ از کوی که برخاستهء راست بگو ای گرد بچشم آشنا می‏آئی

بنقل از موئقین و دو معمی یکی باسم(خیام)و دیگری باسم(بشیر)از آقا حسین‏ نقل کرده است.

نگارنده مجموعهء خطی دارد بخط میرزا احمد نیریزی خطاط معروف و در این مجموعه منشئاتی از آقا حسین خونساری ضبط است.این مجموعه با کاغذ پوستی‏ و بخط نسخ و شکسته میباشد و ظاهرا بعد از وفات آقا حسین جمع‏آوری شده چه‏ همه‏جا در عنوان مطالب عبارت:«من منشئات آقا حسین خونساری»نوشته شده است.

این مجموعهء منشئات مشتمل برنامه‏ها و چند وقف نامه و فرامین و موضوعهای‏ ادبیست که آقا حسین انشاء فرموده‏است.قسمتی از موضوعهای مطالب از این‏ قرار است:

وقفنامهء میرزا رضی،دیباچهء مطلع الأنوار،مکتوب بشریف کعبه،کتیبهء تعمیر عمارت مبارکهء مشهد مقدس رضوی،قبالهء خانه،در بیان نبذی از مفاخر و مزایای سلاطین کامکار و خواقین نامدار سلسلهء صفویه ابدت ایام دولتهم بر سایر پادشاهان روزگار،از زبان میرزا صایبا بمیرزا سعید حکلم نوشته،بمیرزا ابو الفتوح‏ نوشته‏اند،از زبان محمد خان اعتماد الدوله بوزیر پادشاه روم نوشته دیباچهء بیاضی‏ که بجهت نواب صدارت پناه نوشته‏اند.

گرچه این نامه‏ها از عبارت‏پردازی و تکلفات و صنایع لفظی معمول به زمان‏ صفویه خالی نیست اما چون در بسیاری از آنها اصطلاحات و آداب و رسوم خاص آن‏ زمان درج شده باین منشئات ارزش مخصوصی میدهد بعلاوه منشئات مزبور معلوم‏ مینماید که آقا حسین خونساری فقیه معروف عصر صفوی در زبان فارسی و اصطلاحات‏ و امثال آن نیز تبحری بسزا داشته و از نظر معرفی این منشئات بخوانندگان محترم‏ مجلهء یادگار یک نمونه از آنرا ذیلا نقل می‏کنیم: عالیجناب آقا حسین خونساری از زبان میرزا صائبا بمیرزا سعید حکیم نوشته‏اند:

«هرچند در شریعت دوستی و وداد و ملت خلت و اتحاد کتاب محکم الآیات مهر و محبت از آن گرامی‏تر است که دوستان راسخ البنیان از پیشگاه خاطر مهرگزین‏ بر طاق نسیان گذارند و حفظ احترام سورهء صادق البیان اخلاص و مودت از آن ضروری‏تر که صاحبان قدیم الاحسان مخلصان خالص الولای خود را پیوسته بیاد ندارند لیکن‏ چون سیتیست قدیمی و عادتیست جبلی که همواره دوستان جانی برای تشیید مبانی‏ یادآوری یکدیگر قلم محبت را بنگارش صفحه و گذارش قصه همداستان میسازند لا جرم این محب قدیمی و این مخلص صمیمی احیای سنت احبا را لازم دانسته بجهت‏ تذکرهء بندگان و الامکان رفیع اسان جامع اصول فضایل دنیوی و اخروی حاوی‏ فنون محاسن صوری و معنوی نشأهء جامع باده‏نوشان مصطبهء دانش و بینش مردم چشم‏ تماشائیان پردگیان اسرار آفرینش سبابهء بقراط حدس و ذکاء زخمهء تار قانون صحت‏ و شفا آب رنگ چهرهء سخن‏پردازی پیچ و تاب طرهء معنی طرازی فهرست مجموعهء علم و عمل مصداق منطوقهء السعید سعید فی الأزل حکمت پناهی که از امزاج ادویهء مجربهء افعال حمیده و اخلاق پسندیده معجون نجاح دارین ترتیب و از اختلاط اجزاء آزمودهء فلسفتین نظریه و عملیه مادة الحیاة نشأتین ترکیب کرده فصاحت دستگاهی که تا صناعت‏ شعری خود را بطبع بلندش نسبتی داده بیک دو پایه از منبر خطابت قدم فراتر نهاده‏ و تا مقدمات سست بنیاد تجلی بانجمن خیال ارجمندش راه جسته و ثاقب تصدیق یقینی‏[کذا] عقد تبعیت باو استوار بسته جرعه‏نوش بزم تقربات سرشار خاقانی صدرنشین محفل‏ عنایات بیغایات سلطانی میرزائی مخدومی میرزا محمد سعید متعه اللّه تعالی بعمر مدید و عیش رغید مسود این اوراق و مضیع این اجزا گردید تا هم بهانهء تذکار و هم وسیلهء اصلاح غلطهای بیشمار که مانند این ذرهء بیمقدار را امثال آن بر کنار نیست بوده‏ باشد چهرهء نازیبای شاهد گستاخیرا پرده‏پوشی عفو روزی باد1».

التجاء بکریم هنگام غم

راد طبعی که در غمی افتاد جز برادان مباد پیوندش‏ ز انکه گر التجا کند بلئیم‏ نگشاید ز سعی او بندش‏ گه برحمت همی کند یادش‏ گه بحکمت همی‏دهد پندش‏ آخر الأمر چون فرونگری‏ زهر باشد نهفته در قندش‏ این مثل سایر است و نیست شگفت‏ گر نویسد بزر خردمندش‏ پیل چون در وحل فروماند جز بپیلان برون نیارندش

(تاج الدین آبی)

(1)-با اینکه ما بعلت تکلف و تصنعی که در پرداختن این نامه بکار رفته و همانها نیز نشانهء پستی نظم و نثر دورهء صفوی است با درج آن موافق نبودیم باز برای آنکه نمونه‏ای‏ از این نوع در دست باشد آنرا درج کردیم.